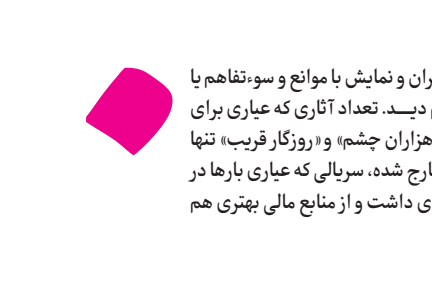




عکس: نیما آقازایی

معطلی سریال «۸۷ متر» در دهلیزهای تلویزیون

عیاری بازهم پشت نشان توقف



روز اسباب‌کشی متوجه می‌شوند خانه به فرد دیگری به نام رجب خلیلی فروخته شده است. رجب به همراه پسر، همسر و دو دخترش صبح زودتر از پوردورانی‌ها به خانه رسیده‌اند و وسایلمان را در خانه گذاشته‌اند؛ اما با رسیدن خانواده پوردورانی، ماجرای کلاهبرداری مشخص می‌شود. قصه‌ای که زمان ساخت بیش از ۳۰ لوکیشن در تهران داشت و همین گستردگی کار یکی از دلیل طولانی‌شدن زمان فیلم‌برداری شد. علی دهکردی، ابوالفضل پورعرب، مه‌ران رجبی، فریا کامران، نازنین فرحانی، هدی زین‌العابدین، دیبا زاهدی، الهه خادمی،

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

صحت کرد و روابط عمومی شبکه یک در پاسخ به گفته‌های او در جوابیه‌ای اعلام کرد که برخلاف ادعای آقای عیاری، سابقه پخش سریال‌های مختلف از تلویزیون حاکی از آن است که نشان‌دادن عادی برخی حیوانات مانند گربه و پرندگان در آثار نمایشی محل اشکال و حذف نیست بلکه نمایش تصاویر مکرر، غیرضروری و ناچجا در صحنه‌هایی از سریال برای نشان‌دادن رفت‌وآمد حیوانات در محیط خانه از سوی بازیبن تذکر داده شده است و برخی تصاویر مانند غذادادن به گربه در سریال از سوی بازیبن ایراد گرفته نشده و صرفا تصاویر مکرر، محل اشکال بوده است.

اینکه سریال کیانوش عیاری با مشکلاتی از این دست روبه‌رو باشد، دور از ذهن نیست. اما در این میان گزاره‌های دیگری برای طولانی‌شدن زمان تولید و پخش سریال عنوان می‌شود. در «۸۷ متر»، عیاری علاوه بر کارگردانی، تهیه‌کنندگی آن را هم عهده‌دار شد و در این میان مشکلات بودجه‌ای و مدیریت‌کردن آن در زمان تولید، یکی از دلایل روند کند تصویربرداری عنوان می‌شود و این مشکل به بعد از زمان تولید هم رسید و طبیعی است که کارهای دوران آن تولید سریال هم با رتیم آهسته‌تری انجام شده است.

از سویی دیگر تغییرات و نگرش‌های متنوع مدیریتی سازمان صداوسیما از دیگر دلایلی است که در به‌تعمیق‌افتادن زمان پخش این سریال عنوان می‌شود؛ اما همین گزینه آخر، سرنوشت بسیاری از سریال‌های سالیان تلویزیون را تغییر داده است که گاه در برهه‌ای زمینه‌ساز اتفاقات مؤثر و بهتری شده و در برخی شرایط دقیقاً برعکس عمل کرده است.

زمان حضور محمد هاشمی و علی لاریجانی در مقام ریاست سازمان صداوسیما، مدیریت سریال با مدیران فیلم و سریال بود که با مدیر شبکه هماهنگ می‌شدند و هرچند دهه‌های ۶۰ و ۷۰ تعداد آثار نمایشی کم بود اما متولی مشخص بود و این باعث نظم و شفافیت آثار نمایشی می‌شد. اواخر دوران ریاست علی لاریجانی و با توجه به افزایش شبکه‌ها، اداره طرح و برنامه در معاونت سیما با هدف بررسی فیلم‌نامه تمام آثار نمایشی شکل گرفت. مهم‌ترین وظیفه این اداره کل جلوگیری از شباهت میان آثار شبکه‌ها بود. این فرایند در دوره ریاست عزت‌الله ضرغامی شکل و شمایل دیگری به خود گرفت. در پنج سال نخست ریاست او در سازمان صداوسیما، با افزایش تولید سریال (شبهانه‌شدن سریال‌ها) و تولید انبوه تله‌فیلم تصویب نهایی فیلم‌نامه به طرح و برنامه سیما واگذار شد. اینجا دیگر صرفا بحث عدم شباهت موضوعات نبود، محتوا و کیفیت در شورایی از کارشناسان بررسی می‌شد و آنها مجوز تولید را صادر می‌کردند؛ اما مدیر شبکه مجوزی داشت که می‌توانست فیلم‌نامه ردشده را هم با تشخیص خود بسازد. بسیاری از کارهای خوب سازمان محصول جسارت مدیران شبکه‌ها بوده که احساس کرده‌اند موارد اصلاحی را می‌توانند در مسیر درست کنند. با رفتن مرتضی میرباقری و آمدن علی دارابی، دیگر مدیران شبکه چنین مجوزی نداشتند. همه طرح‌ها و فیلم‌نامه‌ها باید در شورای فیلم‌نامه سیما مجوز می‌گرفتند. دیگر شبکه‌های مختلف سیما دستشان در تایید نهایی ساخت سریال باز نبود. نتیجه آن شد که بعد از سه سال تولید آثار نمایشی از هزار و ۵۰۰ ساعت به ۴۰۰ ساعت رسید. در دوران ریاست محمد سرفراز فرایند جداسدن فیلم و سریال از گروه فیلم و سریال‌ها و شبکه تشدید شد. فیلم و سریال شبکه‌ها اگرچه از نظر فیزیکی در شبکه‌ها حضور داشتند اما از نظر اداری و مدیریتی از شبکه‌ها منفک شدند و زیر نظر سیمافیلم قرار گرفتند. در حقیقت سیمافیلم متولی نمایشی سیما شد و شبکه‌ها تنها پخش‌کننده شدند. بعد از چند ماه با تاسیس مرکز گسترش فیلم‌نامه‌نویسی در حوزه ریاست سازمان، تصویب فیلم‌نامه از معاونت سیما گرفته شد و عملا سیمافیلم به بازوی اجرایی مرکز گسترش فیلم‌نامه تقلیل

یافت. بعد از گذشت یک‌سال ونیم از این مکانیسم تولید نمایشی عملا متوقف شد. تولیدات به کمتر از انگشتان دست‌ها رسید. سریال‌های بیمار استاندارد، نجوا و راه‌پوی‌راه سه سریالی است که در این مدت مرکز گسترش فیلم‌نامه‌نویسی تولید کرد. با رفتن سرفراز و آمدن علی‌عسگری و معاونت مجدد میرباقری، دوباره تصمیم بر آن شد که قدرت به شبکه‌ها برگردد. هر شبکه اگر فیلم‌نامه‌ای را در شورایش مصوب می‌کرد، با مجوز رئیس شبکه به برآورد می‌رفت. فقط برآورد در سیمافیلم متمرکز بود تا قیمت‌ها یکسان‌سازی شود. این مسئله باعث شد مجدد چرخ سریال‌سازی به گردش دربیاید. در دو سال حدود ۲۰۰ سریال ساخته شد و در مراحل تولید قرار گرفت و مجدد باکس‌های نمایشی شبکه‌ها احیا شد و مخاطب روند افزایشی پیدا کرد. در این زمان است که فیلم‌نامه‌ای که عیاری پس از روزگار قریب در سال ۸۷ مصوب کرد، در سال ۹۵ برآورد و در ابتدای ۹۶ به تولید رسید. پس از دو سال مجدد علی‌عسگری تصمیم گرفت باید شورایی متمرکز تمام فیلم‌نامه‌ها را بررسی کند؛ شورایی که خود مصوب کند. مسئولیت شبکه‌ها و سیمافیلم محدود شود. این دوران مجدد تولید سریال‌های سیما کمتر شد.

این مسئله در کنار زم‌زمه‌های تغییر مدیر شبکه یک در یک‌سال‌ونیم گذشته و تغییر مدیر شبکه در ماه گذشته به‌نوعی بلاتکلیفی را در سرنوشت این سریال رقم زده است. آیا شایعاتی که می‌گویند این سریال در مدیریت جدید غیرقابل‌پخش اعلام شده و آرشیو می‌شود، صحت دارد؟ یا تنها اشکال طولانی‌شدن فرایند پس از تولید سریال است که از فضا تهیه‌کننده کار هم خودش است؟

بررسی فرازوفرود ساخت مجموعه‌های نمایشی در سازمان صداوسیما در دوره‌های مختلف که گاه به رونق تولید سریال و گاه به کاهش محسوس آن منجر شده، نشان می‌دهد که در این میان نمی‌توان تغییرات مدیریتی سازمان صداوسیما را در دوران ساخت و نمایش مجموعه‌های تلویزیونی نادیده گرفت. در سال‌های گذشته سریال‌هایی با مضامین بسیار ساخته شده که برخی از آنها درنهایت با جرح و تعدیل‌هایی روی آنتن سیما رفته است و برخی دیگر همچنان در بلاتکلیفی پخش به سر می‌برند که مهم‌ترین آن سرزمین کهن است. با توجه به اینکه در سال‌های گذشته از اهمیت پرداختن به کیفیت ساخت مجموعه‌های نمایشی صحبت شده، به نظر می‌رسد در این‌ زمان بیش از هر چیز، کیفیت این آثار می‌تواند نقش قابل‌توجهی در رویکرد مخاطب و دنبال‌کردن سریال‌های صداوسیما توسط او ایفا کند. این روزها رونق گرفتن پخش فیلم در پلتفرم‌های مختلف، باعث شده سطح توقع مخاطب از آثار نمایشی تلویزیون بیشتر شود. با این تفاوت که چندسالی است مخاطب پیگیر سریال‌ها، با پرداخت هزینه‌ای سریال مورد نظرش را انتخاب می‌کند. در این میان قطعاً رویکرد رسانه ملی در پرداختن به موضوعات مختلف و تولید مجموعه‌های متنوع نکته‌ای قابل‌اعتناست.

به نظر می‌رسد «۸۷ متر» هم در آینده‌ای نزدیک روی آنتن شبکه یک سیما خواهد رفت اما هنوز هم تاریخ دقیقی از سمت تلویزیون درباره پخش آن مشخص نشده است؛ سریالی که به گفته کارگردانش «باید زمان بگذرد. بتوانم مثل یک تماشاگر عادی فیلم را ببینم، آن موقع می‌توانم درباره کم‌وکمب آن صحبت کنم».

چندین سال پس از ساخت سریال‌های «هزاران چشم» و «روزگار قریب»، کیانوش عیاری با تمام فرازونشیب‌ها و اتفاقاتی که بر سر اکران دو فیلم «خانه پدري» و «کاپانه» آمد، به دعوت رسانه ملی پاسخ مثبت داد و «۸۷ متر» را ساخت؛ سریالی که تا پیش از پخش آن نمی‌توان تحلیل دقیقی درباره کیفیتش داشت و همه‌چیز را باید به بعد از پخش سریال موکول کرد.



به‌روز می‌سازند، درنهایت در دقایق پایانی فیلم و بدون طی ساختارهای کلاسیک (یا دست‌کم مقبول و اصولی) با اعتراف مهندس به نقشنش در کشاندن یاسمن به ایران و بازیبنی لب‌تاپ پدر توسط یاسمن یک نقطه اوج و یک گره‌گشایی کم‌رنگ و کم‌توان شکل می‌گیرد که البته بنا به ضعف مفرط درام تا پیش از رسیدن به این نقطه، هیچ‌کدام تأثیر لازم را ندارند تا بار دیگر اثبات شود که در مدیوم سینما فقط نمی‌توان با اتکا به ایده‌های قشنگ و بی‌توجهی به عناصر مهم دیگری که سینما را می‌سازند، به موفقیت دست یافت.

هم فیلم چندان قابل دفاع به نظر نمی‌رسد. پس از یک‌سوم آغازین فیلم که مقدمات و بستری‌های دراماتیک برای جلوگیری درام فراهم می‌شوند، فیلم در یک‌سوم میانی خود که قاعدتا باید مواجهه قهرمان با موانع متعدد و طی مسیر از نقطه عطف اول تا نقطه میانی و نقطه عطف دوم رقم بخورد، وارد یک مسیر طولانی خسته‌کننده و آکنده از پرگویی و درجاردن قهرمان خود شده و پس از زیاده‌روی‌های بسیار درخصوص شخصیت پدر یاسمن که بدون بسترسازی‌های لازم از او یک قهرمان همه‌فن‌حریف عارف‌مسلك خانواده‌دوست و درعین‌حال

^[1] از نظر ساختاری و تطبیق با اصول کلاسیک فیلم‌نامه‌نویسی